

عنوان مقاله:

نقش ادیان و امپراتوری های بزرگ در تدوین حقوق بین الملل بشر

محل انتشار:

همایش ملی حقوق بین الملل در آئینه علوم روز (سال: 1391)

تعداد صفحات اصل مقاله: 14

نویسندگان:

سجاد احرامی - دانشجوی دکتری تخصصی حقوق PHD و عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور استان آذربایجان غربی

بهنام علی پور - کارشناس ارشد حقوق بشر و مدرس دانشگاه

خلاصه مقاله:

حقوق بشر با پیشینه‌ای که در ادیان، نظریه‌های فلسفی، تمدنها و فرهنگهای گوناگون دارد، پس از جنگ جهانی دوم و پیریزی نظم جهانی نو، پا به عرصه‌ی هنجارسازی بینالمللی نهاد و از آن هنگام، با عبور از مراحل مختلف و رویارویی با چالشهای متعدد، در دو سپهر نظر و عمل، از کانونی ترین گفتمانها در حوزه‌های گوناگون چون فلسفه و به ویژه فلسفه اخلاق و فلسفه دین، حقوق، نظریه ی سیاسی، جامعه شناسی و کلاماز یک سو و سیاست و دیپلماسی بینالملل، از سوی دیگر بوده است. هر یک از برداشتهای رایج در باب حقوق بشر به لحاظ فرهنگی و اخلاقی به سنت فلسفی و فرهنگی جوامع مختلف بستگی دارد. نقشی که گذشتگان در به وجود آمدن حقوق بشر فعلی داشتهاند برای هیچ فردی پوشیده نیست. امروزه به روش تازه‌ای این حقوق اجرا می شود و شبکه‌های از نهادهای ملی، منطقهای و بینالمللی در کنار اشخاص و فعالان عرصه‌ی اجتماعی، به‌ترویج، حمایت و نظارت بر اجرای حقوق بشر اشتغال یافته اند ولی چنانکه معلوم و مشخص است در گذشته این حقوق مورد ملاحظه بوده، ولی به شیوه ی ابتدایی مورد توجه و امعان نظر بوده است. از این منظر سعی خواهد شد بیان گردد که چگونه، فلاسفه، ادیان و تمدنها و فرهنگهای مختلف با نگاه خود حقوق بشر را تعریف و تبیین میکنند. و در این مقاله استدلال این خواهد بود که فرهنگها و مؤلفه های درون فرهنگی با برداشتی کاملاً متفاوت، اما با اعتبار یکسان به حقوق بشر نگاه میکنند

کلمات کلیدی:

حقوق بشر، دین، تمدن، فلاسفه، تدوین، همبستگی، آزادی، بینالملل

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/327171>

